سوء استفاده از صلاحیت اختیاری در روبه قضاوت ا인گلستان و ایران و مقایسه آن با فقه و حقوق خصوصی

منوجه طبیعی مؤتمن
قاله‌افشاری
حمید اسدی

تاریخ دریافت: ۹۴/۷/۲۰
تاریخ پذیرش: ۹۴/۷/۲۸

چکیده
صلحیت‌های اختیاری، یکی از اختیاراتی است که از جانب قانون به اداره اعلام شده است تا بتوانند از طریق ارزیابی، تفسیر و کرنش، اقدام به اتخاذ تصمیم در جهت حفظ منافع عمومی و احترام به حقوق و آزادی‌های شهروندی نمایند. این تأسیس حقوقی به لحاظ اختیارات کشتارداری که به اداره می‌دهد مستلزم بکارگیری اصول و معیارهای است که اعمال آنها را قانونی ماهیت دارد. به همین دلیل، نظرات قضاوتی بر اساس معیارهای مناسب با این امر ضروری به نظر می‌رسد که بکی از موارد، سوء استفاده‌ای از اختیار است.

سوء استفاده از اختیار به معنا استفاده از اختیار قانونی توسعه مصایق حقوقی واجد آن اختیار در راستای هدفی به جر هدف مورد نظر مقنن و اعمال ملاحظات تامین مورد به عدم توجه به ملاحظات مربوط است که مبنای آن در روبه قضاوت اینگلستان و ایران، بر عمل مصایق نظرات قضاوتی نموده‌است. در حق و حقوق خصوصی نیز مفهوم سوء استفاده از حق وجود دارد که به نظر می‌رسد ببرابر با مقیاس مکرر نیست و مشترکت و تفاوت‌هایی در مبان آنها وجود دارد.

واژگان کلیدی: صلاحیت اختیاری، سوء استفاده از اختیار، مقام اداری، نظرات قضاوت.

* استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
** دکتری حقوک عمومی دانشگاه علامه طباطبایی (نوسنده نسخه).
*** دانش‌آموخته کارشناس ارشد حقوق خصوصی دانشگاه امام صادق (ع)
مقدمه

در حقوق خصوصی به دلیل وجود "اصل حاکمیت اراده"، اصل بر داشتن اهیت است؛ بدین معنا که اشخاصی، مطابق به رعایت نظام عمومی، در أعمال حقوقی خود آزادند و لیکن در حقوق عمومی، درست به عکس آن، اصل بر "عدم صلاحیت" دستگاه‌ها و داوای دولتی است؛ بدین معنا که هرگونه اقدام و تصمیم داور دولتی، منوط به وجود مجوز قانونی است و گوگنه آنها به خودی خود اختیاری ندارند(کریم جوزانی، 1390، ص: 11).

با این توجه داشته که صلاحیت، محدود به اصل تخصص است(طاطسیابی، متمتی، 1371، ص: 249، ص: 349). اصل تخصص به معنا است که اولاً، قلص و صلاحیت، عمل و وظایف شخص حقوقی، محدود به اموری است که تصریح شده است و این اشخاص فقط می‌توانند در حروف هدف خود که برای آن اجازه داشته‌اند اقدام به فعالیت نمایند و صلاحیت‌ها محدود به صلاحیت است که در قوانین و اساسنامه‌ها صرفاً بیان شده است(ص: 1373، ص: 364، 365). تا این انجام امور به شخصی که آنها و اگذار شده است شایستگی فنی دارد و متخصص در آن کار هستند(تشریحی، 1390، ص: 24).

صلاحیت، وظیفه و تکلیف است. امور دولتی نمی‌تواند به میل خود به آن عمل کند، بلکه باید این تکلیف این را در حروف مقرر در قانون، به صلاحیت خود عمل کند و این هم تجاوز نماید. اما نیز مقدی به قانون است؟ اما تمامی اعمال اداری، به یک اسارت مقدی به قانون نیستند. در برخی امور، کارگزار عمومی، از آزادی عمل بخوردار است (صلاحیت تخصصی) و در بعضی دیگر، این آزادی عمل اصلاً وجود ندارد(صلاحیت تکلیفی)(طاطسیابی، متمتی، 1375، ص: 311، ص: 341). اصل بر این امار که اداره در انجام صلاحیتهای گزینشی خود، فارغ از کنترل قضایی است، مگر آنکه این صلاحیتهای را به منظور انجام یک هدف غیر قانونی به خدمت قرار گرفته یا به آنها قانون نگیران، انجام آن را جزء صلاحیت اداره قرار ندهاد باشد و اعمال مامور، خارج از حد حاکمیت بی‌احترام(فولادی، 1391، ص: 32). بر بستگی قضایی، در انگلستان بیانگر نظرات دادگاه‌های انگلیس و ولز، بر اختیارات و اجرا و وظایف وزرا و وزارت‌های دولتی سازمان‌های اداری، مقامات محکی و دیگر نهادهای عمومی است؛ در واقع، بر بستگی قضایی با هدف حمايت از حقوق فردی، قضات دادگاه‌های عالی، اعمال حقوق عمومی را که با طرح دعا نزد آنها مطرح است با توجه به صلاحیت دادگاه در صدور رأی به ابطال، ممانعت، اعمال، جبران خسارت و وضعیت بخشیدن، به دقت بررسی می‌کنند(368، Alder، 2002، ص: 367).
بر سر چگونگی دسته‌بندی مباني و در ادامه با نگری قضايي، توافق عمومي وجود ندارد. در دادگاه‌های کامن لا، اصل ultra vires در زمینه صلاحيت بازيگری قضايي، دارای اهميتی پرداز است. در نظام حقوقي کامن لا، دو نوع دسته‌بندی درباره جهان و مباني کنترل قضايي وجود دارد:

1- دسته‌بندی کلاسيک: كه شامل تجاوز از اختيازي ماهوي (اقدام مرجع اداري، خارج از ماهي و جوهر صلاحيه اطلاع شده به وعی); تجاوز از اختيازي شكلي (اقدام مرجع، بدون رعایت مقررات شکلي) و سواستفاده از اختيازي است(Stott & Felix, 1997, pp. 81-82).

2- دسته‌بندی براد دیلک: كه شامل سه دسته غیرقانوني، غيرمقوه بودن و تشريفات ناماسب مي شود(ک:شيرزاد,1392, ص 65: 386, 2002, p. 368). برخی سواستفاده را در ميان غیرقانوني بودن و برخی ديگر آن را جزء موارد غيرمقوه بودن به شمار مي اورند. غیرقانوني بودن یک عمل انجام شده بر مبانی صلاحيت تشخيصي، صرف نظر از اينكه ناشي از صورت در استفاده از صلاحيت اختيازي باشد یا نايشي از سواستفاده از اين، هر دو خروج از حدود صلاحيت تشخيصي به مفهوم موسع به حساب مي آيد أما در آلمان "گسترش صلاحيت تشخيصي" یا تجاوز از حدود اين صلاحيت، از سواستفاده از صلاحيت اختيازي تفكيك مي شود. تجاوز از حدود صلاحيت تشخيصي در آلمان مانند خروج از حدود صلاحيت اختيازي در کامن لا است اما سواستفاده، به مفهوم غیرقانوني بودن در داخل اختيازي اطلاع شده است(هادوند,1389, ج 3, ص 63-69 و 782).

چين نظرات قضايي بر صلاحيت اختيازي، اين شانه را به هر لازه دارد كه دادگاه به دنبال مام مي آن، به ماهي اعمال دولت ورد ويدا كرد و با دخالت در سياستها و خصوصيي هاي ايراني مقامات عمومي موجب از صرف اضافي قوا مي كرد؛ اما به نظر ميرسد كه با توجه به گسترش صلاحيت اختيازي مقامات اداري، نظارت هاي سندي، كاني نسبند. با توجه به اعطاي صلاحيت به مقام اداري به نحو موقعي و منطقی توسط قانونگذار، هنگامی كه دادرس در ارزيابي عمل اداري، تحميل مقامي را غير منطق با هدف و ميان قانون ببيند آن را خارج از اختيازي تقويضي بارلام به مقام اداري و در نتيجه قابل اطلاع مي داند. از سوی ديگر، بر طبق اصول حاکميت قانون، در موارد كه تخصصي غرور مناسب از صلاحيت خود خارج مي شود، نوعي از حمایت و جبران را ارتفا (من نکته كردم: شيرزاد,1392, ص 87: فتانا،1391, ص 39).
برای مطالعه مبحث سوءاستفاده از صلاحیت اختیاری مقام اداری، دو سؤال به ذهن می‌رسد:

اول اینکه، آیا سوءاستفاده از صلاحیت اختیاری در حقوق ایران و انگلستان، قابل پاژندگی قضاوت است؟

در پاسخ ابتدا به این سوال می‌توان گفت: در حقوق انگلستان این امر بیشتر برایش می‌شود. این سوال دوم آن است که آیا مصایق مشابه سوءاستفاده از صلاحیت اختیاری، در حقوق خصوصی و قوه نیز پیشینه تا اینجا قرار گرفته است؟

در فرضیه ابتدا به این سوال باید جنین پاسخ گفت که به نظر مرسد مفهوم سوءاستفاده از حق، که در حقوق خصوصی وجود دارد مفهومی مشابه سوءاستفاده از صلاحیت اختیاری است.

در حمایتی به روی مباحث در دو عنوان سوءاستفاده از صلاحیت اختیاری در روابط قضاوت انگلستان و ایران و سوءاستفاده از حق در قوه و حقوق خصوصی بررسی می‌شود.

1 سوءاستفاده از صلاحیت اختیاری در روابط قضاوت انگلستان و ایران

1-1 مفهوم شناسی

در حقوق کاملاً تعیین دقیقی از سوءاستفاده از حقوق نشده است. از این رو، برخی از نویسندگان حقوق، به آن نظر خود فهرست طولی از مصایق ان ارائه می‌دهند. در حالی که برخی دیگر به دو یا سه مورد به عنوان مصایق سوءاستفاده از «صلاحیت اختیاری» اشاره می‌کنند (شیرزاد، 1372، ص 78، نقابت خواهان، 1288، ص 11، این جنبه از غیرقانونی بودن، در برخی صلاحیت‌های تشخیصی بروز می‌کند. روحیه مجریان قانون همچون حاکی از نقض شکلی خاص و یا تجاوز از حدود اختیارات تغییری قانونی نیست (شیرزاد، 1372، ص 87)، حتی اگر تصمیم گیرندگان دقیقاً طبق نص قانون عمل کند هدف او ممکن است تا مطلوب باشد یا ممکن است به عوامل مرتبط بی‌توجهی کند با اینکه تحت تأثیر عوامل غیر مرتبط قرار گیرد (هادوئرد، 1289، ج 1، ص 84، نقابت خواهان، 1288، ص 82؛ Stott & Felix، 1997، p. 678، Bradely & Ewing، p. 773؛ Wade & Bradley، 1993، p.678).

بدین ترتیب اغلب آن را انگیزه و موج ره بی‌شمار می‌آورد که مکالم عمومی را به دخالت
داندن عوامل غیر مرتبط در تصمیم یا تعیین اهدافی غیر از هدف قانون‌گذاری ویام داروی و یا آن‌که موجب "غیرعقدایی قبادت کردن" تشکیل می‌شود: مانند: دعوت ویوب علیه وزیر مسکن و دولت محلی در سال 1965؛ اگرچه برخی سوئیت را از عوامل سوءاستفاده دانستند و دعوای انسینمیک در سال 1969 را یکی از موارد درخواست انتخاب قاضی برای این اساس به شمار اورده‌اند اما اشاره‌ای خاصی به موارد مشکل است، به طوری که به سختی می‌توان مثالی یافت که در آن سوءاستفاده، مبنای مستقیم برای اعتراض به تصمیم مقام اداری باشد (نیکویی، 1388، ص. 93).

به نظر می‌رسد که ارکان اساسی در سوءاستفاده از صلاحیت، چند مرحله است: یکی وجود صلاحیت برای مقام اداری بر طبق قانون برای عمل خص است. دوم، انجام عمل در محیطی صلاحیت برخلاف هدف قانون‌گذاری و یا بودن در نظر گرفتن عوامل و ملاحظات مبنای منظر قانون‌گذار است و سوم، عنصر سوء‌سنجی عمومی به معنا هوش و اعتماد به مسأله است: بین معاون که علم دارد که هدف و منظر قانون‌گذار چه بوده و با عملی خلاف آن را مرتب می‌شود و به خلاف بودن خروج نیز علم دارد. به نظر می‌رسد این روند مهم است که در هر سوء‌سنجی باشد و من به عنوان یک مصداق جدا، چراکه سوء‌سنجی از اختیارات را از اعمال مشابه مانند استهبان عمداً نماید (Barentt, 2007, p. 766)؛ زیرا در اشتیاق علم و عمل وجود ندارد.

اما به نظر می‌رسد که بر خلاف نظر برخی که معتقدند عمل، تحت تأثیر انگیزه‌های درونی مثبت یا منفی و یا با استناد مناسب‌ترتست از قانون ساخته، تصمیم‌گیری از روی حب و معنی در این زمینه دارای اهمیت جدی‌تری نسبت و مقام اداری می‌تواند با هر اینگیزه، اعم از انگیزه خیرخواهانه مانند کمک به دیگران، درنظر گرفتن نفع عمومی جامعه یا انگیزه منفی مرتبگ سوء‌سنجی از صلاحیت اختیاری‌شود.

1- برخی سوئیت‌ها از عوامل سوء‌سنجی در سال 1969 را یکی از موارد درخواست انتخاب قاضی برای این اساس به شمار آورده‌اند (نیکویی، 1388، ص. 93).
1- مصایق سوء استفاده در روهی قضاوت ایران

در بین مصایق سوء استفاده از اختلالات، در ایران اغلب در عامل، بینی یکی اهداف مغایر با متفاوت از هدف قانونی و دیگری، توجه به عوامل غیرمرتب و عدم توجه به عوامل مرتبط در تصمیم‌گیری را از مصایق سوء استفاده می‌دانند و برخی دیگر نیز بکارگیری صلاحیت معین به چاپ صلاحیتی دیگر را از مصایق سوء استفاده می‌دانند و عده‌ای دیگر نیز غیرعقلانی بودن را در مصایق سوء استفاده افراد که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بنابر ماده 12 قانون تشکیلات و آمین دادرسی دیوان عدلادی اداری مصوب 1392/7/25 مجمع تشخیص مصلحت نظام، یکی از جهات کنترل قضاوت در نظام حقوقی ایران، سوء استفاده از اختلالات است. در رویه قضاوت‌های عمومی دیوان، جنگال استاندارد به این امر نشده است اما با توجه به مصایق آن، شاهد اهداف نامناسب، توجه به عوامل غیرمرتب و ... در برخی ایرانی‌ها در طور صحیح یا ضمنی مورد استفاده قرار گرفته است.

همچنین در قانون پرداختی به تخلیفات اداری، سوء استفاده از مقام اداری، در بند 30 ماده 8 به عنوان تخلیفات اداری به شمار آمدید است که در صورت اجرای موج مجازات‌های اداری می‌شود.

به همین دلیل می‌توان آرای هیأت‌های رسیدگی به تخلیفات اداری ادارات را نیز در این زمینه مورد بررسی قرار داد. مشخص شود که به دلیل سوء استفاده، به اعمال مجازات‌های بک مقام اداری برداختند و مصایق سوء استفاده از نظر هیات‌چه بوده است.

در مواد 576 و 581 قانون تعیین‌های و اقدامات تأمینی نیز سوء استفاده تحت شرایطی می‌تواند جرم تلقی شده و مجموع مجازات قرار گیرد.

2- ماده 1376 «چنانچه هر یک از صاحب‌نشان و مستخدمین و مامورین دولتی و شهرداری‌ها در هر رتبه و مقامی که باشد از مصایق سوء استفاده تنی می‌تواند از برای اظافر کننده یا اجرای گزارش ملکی و یا اجرای ابزارهای مصایق قضاوت ای هرگونه امری که از طرف مقامات قانونی صادق شده باید گرایش گرایش مصایق سوء استفاده از ارتباط جرم، بر یک بزرگی به صدق و انگیزه مربوط به مباین نظارت مرط و گزین داروی، مسئولیت جزایی شمرده شده است و بایستی در نظر داشته که سوء استفاده از مقام به منظور جلوگیری از اجرای قانونی و افراد دولتی و احكام محاکم قضایی در این باره اطلاع می‌شود و مطابق جرم، مطابق به ازای نشانه‌های با حکم مقام قضایی است و آن‌ها اگر قابل تکرر فعال اموری و مستند می‌باشد در جلوگیری از اجرای قانونی با حکم مقام قضایی تأثیر داشته باشد موضوع مشمول ماده 576 نخواهد بود.
۱- اهداف نامطلوب
قانون‌گذاری در وضع قوانین به دنبال اهداف خاصی است و وضع قانون و استفاده از عبارات و واژها در آن بر منابع اصل حقوقی است و به هیچ وجه عبت و به‌یهودی نمی‌باشد.
قانون‌گذاری کار عبت نمی‌کند و در عمل خود دارای هدف خاصی است. از طرف دیگر، اعمال قانون عمومی توسط مقامات و دستگاه‌ها، به سیله‌داران خدمات عمومی و با هدف ثامین نفع عمومی و جد ارزش و اعتبار است: به همین دلیل مقامات مسؤول، در اعمال اقدامات و صلاحیت خود در امور اجرایی و اداری نباید جز به مصلحت عموم و حقوق حقه اشخاص به چنین دیگری بیانندند. زیرا اکنون مزبور صرفاً به منظور اجرای دقیق و صحیح مقررات و حفظ حقوق و ثامین حفاظت و اعتبار اشخاص در انتظار آن به کار گرفته است و نباید وسیله ارضای هوس‌ها، امال و غرب‌رایانهای شخصی قرار گیرد. (کریستف: سالما، ۱۳۹۲، ص ۸۸).
یکی از مصادر سوء استفاده، استفاده از صلاحیت واگذار شده برجای دستیابی به اهدافی.
عبر از اهدافی است که قانون و واگذاری صلاحیت در نظر داشته است. این امر زمانی واقع می‌شود که متأخر به مقام اداری، تصمیماتی می‌گیرد با عملی انجام می‌دهد که به ظاهر قانونی اما در پایین، هدف خلاف انجام قانون‌گذاری تعیین کرده است تعییب می‌کند. در واقع، در اجتناب عموم، خطای واقع نگرددید و شبی خطایی هم طی شده است بلکه اقدام درست با هدف خلاف هدف قانون‌گذار واقع شده است: اگرچه ممکن است اشکال خاصی نیز بیان هدف وارد نشود. همچنین در بعضی موارد ممکن بود تعمیم اتخاذ شده، پس این همکار ظاهر تیز که در جهاد جامع انتخابات قانون‌ی بوده است اما با ثبت اصل قانون‌گذار متعاف باشد و به جهت منافع درون سازمانی، به نوعی سوء استفاده از اختیار تلقی گردد. (آثار: نجابتخواه، ۱۳۸۸، صص ۸۴-۹۴، تری‌زدار، ۱۳۹۲، ص ۷۸؛ در واقع، زمینی سوء استفاده واقع شده است که اعمال اختیار در راستای هدف اصلی احساس شدید قرار گیرند.) (Barenttt, 2007, p.765).
این امر حتی در خصوص مقامات عالی حکومتی نیز محقق می‌شود. 

۲- این امر به امر بی‌صبر در قضیه وقایع علیه وزیر کشاورزی، شیلات و تکنیک در سال ۱۳۸۸ بیان شده است. 

۱- Barenttt, 2007, p.765

۲- مقامات عالی برای بعد وظیفه سیاسی خود نیز ممکن است به سوء استفاده از صلاحیت دست بزنند. 

۷
سوآستفاده از صلاحیت حاکمان و استفاده از صلاحیت برای اهداف دیگر، سوآستفاده از حق عفو است. در کنار وجود عرف، حق عفو برای رؤسای قبایل به موجب قوانین سیاسی از کشورها، حق عفو برای رئیس کشور از پادشاه، رئیس جمهور و ... پیش از شدن است. این حق که ادعای می‌شود حقی الیه و نه مدرمی است در موارد متعددی مورد سوآستفاده حکمرانان واقع می‌شود.

در هر حال، حتی اگر بیانیه نیست و انگیزه‌های مبتنی در میان باشد، حضور کننده اعمال، مصایقی از سوآستفاده از اختیارات و اکثر شده از سوی پارلمان بوده و محل ابراز حسنین(تابع‌خوانی ۱۳۸۴) ص۴۹؛ همچنان‌که شوراهای مشاوران سلطنتی در دعوای شورای شهر سیدنی علیه کمیل (۱۹۷۵) اظهار داشته است که مرجع محلی اساس‌نامه صلاحیت خود می‌پذیرد عرفی غیر از برای تسویه خیابان‌ها و به‌оф‌ها فضای شهری را برای سرمایه‌گذاری و کسب منفعت از افزایش احتمالی در ارزش زمین استفاده کند؛ هرچند از منافع به دست آمده از آن باید تعیین در عوارض اهالی محل استفاده


سوآستفاده از مقام و مسئولیت، بر خلاف هدف قانونی و نفع جامعه و در جهت منافع شخصی، به عنوان یکی از مصایق مهم فساد اداری می‌باشد که محضی، ص۱۳۴۷-۱۳۴۲. ماده ۲ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۴/۸/۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام بر این امر مکرر تأکید دارد(افلاطون، ۱۳۹۱، ص۳۷). این سوآستفاده، مقامات متعددی را به دنبال خواهد داشت؛ به همین دلیل توجه به آن، جهت پیشگیری از وقوع و در نظر گرفتن ضمانت اجرای اعمال مجازات در خصوص آن، از اهمیت پژوهی برخوردار است.

موارد متعددی به دلیل وجود اطلاعات خاص در دست این افراد، انتخاب مزدک، اطلاعات را با هدف کسب منافع شخصی و سیاسی، ضرر به کشور یا جمهوری خاص، نفع رساندن به گروه خاص، اقدام به جاسوسی، دستگاهی و در اطلاعات اعمال فشان و ... اقدام نماید. (برای مطالعه بیشتر در این زمینه، رک: سالارکیا، ۱۳۹۱، صص۶۷-۶۰).

1-1-2-1- رویه قضایی انجمن‌های ویرانی در اهداف نامطلوب
در خصوص وجود اهداف مغایر اهداف قانون‌گذاری و سوء‌استفاده از صلاحیت مصاديق
متعادلی وجود دارد که در ذلیل اورده می‌شود:
الف) از این موارد، دعوای پذیرتری علیه وزیر کشاورزی، سیعلن و تغذیه است.
در این قضیه، کمیته سرمایه‌گذاری، براساس قانون بازار کشاورزی مصوب 1958 تأسیس
شده که مسائل بازاری مربوط به محصولات کشاورزی را تنظیم و به
شکایات مربوط با این رسم‌گذاری نماید. عده‌ای از کشاورزان از قبیل تاصیحی و ناعادلانه
صر در یک منطقه، به وزارت مربوطه شکایت کردند اما وزارت مربوطه، این شکایات را
به خاطر ترس از اینکه تأیید این شکایت‌ها می‌تواند به کل طرح بانک شده لطمه
وارد کند (و به عبارتی، با هدف حمایت از طرح موجود) به کمپرسیون مذکور ارجاع نداد و
کشاورزان از این تصمیم وزارت، در مجلس اعیان طرح شکایت کردند. مجلس اعیان هم
به دلیل مخالفت تصمیم مسئول وزارت با هدف قانون بازار کشاورزی، آن را
باطل اعلام نمودند(بازسازی خواهد 8040 ص 376، 764، 2007, Barentt).
(LEYLAND & Gordon, 2005, p. 270: Bradely&Ewing, p. 773)
ب) پرونده دیگر در سال 1971 بود. در این قضیه، مقام مسئول یک شرکت مختار به تأسیس
رختشوانی عمومی شده بود که می‌پرسند برای استفاده مشترک مردم محل و بیرون
اهداف تجاری پیشنهادی شده است در محل پیشنهادی شده، چند نیازمندی پولی برای
استفاده تجاری قرار داد که دادگاه، چنین تصمیم را خارج از حدود اختیارات قانونی دانسته
و حکم به سوء‌استفاده از اختیار تویت مقام داده(766).
(LEYLAND & Gordon, 2005, p. 376)
ج) برای تشخیص هدف تحقیم گیرنده، دادگاه تنها حدود زیادی محرک واقعی
تصمیم گیرنده را به دقت وارسی می‌کند. در قضیه پویتر علیه می‌کنی، یک مرجع محلی
در ایام نزدیک به انتخابات، اقدام به فروش ارزان و یکجا در برخی جوزه‌ها، با انگیزه
وی‌کی‌کی آرا کرد. مجلس این اظهار داشت که با وجود پذیرش واقع‌های
سیاسی دایر بر اینکه یک به‌کارگیری می‌تواند موقعیتی داشته که با این انتخابات به دست آورده، اما باید توجه کرد که
این سیاسی‌ها تنها تواند بر خلاف هدف قانون‌گذاری از ساخت و ساز این ساخت‌ها
انتخاب شود و صلاحیت ویگنگر شده از سوی قانون‌گذار برای ساخت و در اختبار قرار
دادن ساخت‌ها در راستای منافع حزبی تجویز شوند(75).
(Alder,2002, p. 375)
د) قضیه دیگر در خصوص اهداف ناماسب، دخالت روابط تازگی در تصمیم اجرا است. در پرونده‌ای درباره لجستیک، یک بخش لند که در آنجا جمعت زیادی از اقوام مختلف بود تصمیم به تحویل تولیدات صدف گرفت با این توجهی که به وظیفه قانونی اش طبق بخش ۱۹ قانون ۱۹۷۶ روابط تازگی عمل می‌کند. رأی دادگاه بر دستی این تصمیم صحت گذاشت؛ اینهم به دلیل این ویژگی که در منطقه مزبور، نزدیکی مخلوطی بودند. همچنین در رأی قید شد که هدف شورا، اعمال فشار به شرکت جهت قطع رابطه تجاری با آفریقای جنوبی بوده است. فروش صدف به آفریقای جنوبی، غیر قانونی نیود بلکه شورا تحت تأثیر یک هدف غیر مستقیم و غیر مجاز عمل کرده بود و چون این هدف ناماسب، نتیجه اصلی تصمیم بود لذا تصمیم شورا غیرقانونی اعلام گردید.

%(Leyland&Gordon,2005,p.274) (شادی)

هم) در قضیه دیگر، دادگاه به دلیل وجود هدف‌های مبخرین و غیر قانونی خارج شد. در پرونده‌ای در اخراج اعضای هکم کرد که شورای محلی نمی‌تواند به کمک اعضای یک کمیته از جمعیت بزرگ‌榣‌های ایالات‌های اسلامی به دنبال رقیب، هرچند که از صلاحیت اخراج افراد بزرگ‌榣‌های ایالات‌های اسلامی به دنبال اقدام به این امر کنند. این امر بعنوان یک موضوع قانونی حکم به اخراج این صلاحیت خود را به صورت غیرقانونی در راستای هدف‌های با توجه به هدف اصلی اخراج این صلاحیت، نامبوض به شمار می‌آید، به کار بسته است.

(نگاه به: شاهدی، ۱۳۸۸، ص۴۵) (است)

این امر در زمینه صلاحیت مراجع قضایی نیز محقق می‌شود. در دادگاه‌ها بعد از صدور رأی، مراجع تا زمان اعلام رأی قرار داده می‌شود تا در طول این مدت در صورت لزوم، دادگاه رأی خود را اصلاح و اشتباهات خود را در نگارش با از قلم افتادگی درست کند. این صلاحیت، اختیار لغو و باطل کردن و پس گرفتن یک رأی را نیز شامل می‌شود. در دعاوی دادستان علیه/بوت‌کستون، پس از صدور حکم و اعلام رأی دادگاه، در آخرین روز این مدت، بدون حضور یا علم وکیل شهر و با علم به اینکه وی قادر به حضور نیست، قاضی به دیر درست داد تا حکم را پاک کند و در آن، حکم اطاعت طلاقی به زن را وارد کند.
انجام این عملکرد، نوعی سوادت از اختیارات و انجام عمل مغالطه‌های قانون‌گذار است.


در روهی‌های عمومی دیوان عدلیت اداری نیز مواردی از نشان‌هایی نشان داده شده که: به عنوان مثال، این هیأت مقرر داشته است که: اگر جرایفایی‌های معتقد به حق باید پرداخت آن‌ها و یا با به موضوعات اداری، در صورت اجتماع شرایطی و عوامل مؤثر در این زمینه، از اختیارات مدیریت است است و تغییر محل جرایفایی مستخدم دوئل به موجب این‌ها ماهده قانون رسمی‌گذی به تخالفات اداری مصوب سال ۱۳۷۳، در زمینه مجازات‌های اداری قلیداد سه است و اعمال آن درباره مستخدمین خاصی مانند به صورت از طرف هیأت‌های رسمی‌گذی به تخالفات اداری می‌باشد. مدیر یک دستگاه اجرایی نمی‌تواند "اختیار مدیریت" خود را "در جهت تغییر محل خدمات" مستخدم تخلیه، به منظور تبیه او با عناصر و محدودیت اختیارات مدیریت در اعمال مجازات‌های اداری به شرح ماده ۱۲ اعمال کننده آن وحدت روهی شماره ۱۱۳۸/۱۲۲، کلاسی پرونده ۳/۱۳۶۹.

در روهی دیگری اورده شده است: با وجود اینکه هدف قانون‌گذار از اعطا‌های اختیار تعبین تعرفه‌های تزیین برق و ابلاغ آنها، بایگیری سیاست‌های دولت در اجرای برنامه‌های گزارش اقتصادی و اجتماعی است: وزارت نیرو نمی‌تواند هدف‌های دو را در تعیین تعرفه‌ها "فزایش درامد کل سالانه وزارت نیرو فاقد از میزان برق مصرفی مشترکین" قرار دهد. داداشته شماره ۳۳۰۷۶ مهر ۱۳۸/۱۲۲، (کلاسی پرونده ۱۳۷۳)، همچنین شرکت مخابرات نیز نمی‌تواند با هدف جلوگیری از تضعیف حق خود، به قطع ارتباط مخابراتی مشترک فاقد به‌دهی بی‌پردازداری شماره ۳۸۸۸۶ مهر ۱۳۸/۱۲۲، کلاسی پرونده ۲۸/۳۴ در خصوص ابطال ماده ۱۹ ایمن‌نامه تفاوتش و اشتراک تلفن نتیجه.

در روهی دیگری مبنی بر اختیار قانونی تعیین شده به شرایط برای "وضع عوارض به منظور تأمین هزینه‌های خدماتی و عمرانی موردیان" شهر در حدود مقررین آین‌نامه هیأت وزیران" آمده است: صوراً نمی‌تواند وضع این عوارض را با هدف غیر از هدف قانون‌گذار اعمال نماید. (دانامه شماره ۳۴۹ مهر ۱۳۸/۱۲۲، کلاسی پرونده ۲/۴۳) از موارد دیگر استناد به اهداف غیر قانونی، دستور العمل نیروی هواپیمای ارتش است با این استدلال که باید‌شستگی پیش از موعد مصروص در قانون، باعث ایجاد بحران است.
کمک نیروی انسانی متخصص می‌شود و منفک شدن از خدمت سازمان با استفاده از سوابق ارفاقی را تنفی کرده است که این امر خلاف هدف قانونگذاری است.

رای دیگر دویان که به دلیل مغایرت هدف مقام اداری با هدف قانونگذاری به اطلاع بخشتنامه پرداخته است، رای شماره ۱۴۱۷/۰/۱۰۱۲ دیوان عدل اداری مورخ ۱۳۷۱ است که در رای دویان امده است: «اختیارات قانونی مقرر در بخش ۶ قانون زمین شهری مصوب ۶۶/۶۵/۵ به وزارت مسکن و شهرسازی بر اساس صلاحیت و موقیع و شخصی وزارت خانه مقر را به شکل صحیح و صادقانه آن وزارت‌خانه بوده و هر نوع تفویض و اجازه‌ی‌ای که ملک نمایی مصوب قانونگذار است. بنابراین، بخشتنامه شماره ۱۴۱۷/۰/۱۰۱۲ مورخ ۱۳۷۱ ل/۵۵۰۹/۱۹۹۲ وزارت مسکن و شهرسازی برخلاف قانون تشخیص و اطلاعات تخلفاتی هدف قانونگذاری و اطلاعات صلاحیتی به وزارت‌خانه و قانونی به شخص بود من صلاحیت محضگاه مصوب قانونگذاری و اعطای صلاحیت فرض شده و رای مذکور اطلاع شده است.

۱- ناحیه تشخیص هدف مجازی هدف قانونگذار

در این قسمت باید به این سؤال پاسخ دهیم که چه اساسی دادگاه‌ها در مقدار محتوای تصمیم‌گیری آنها مراجع عمومی، یپ به نادرست بودن یک هدف می‌برند و آن را مخالف هدف موردنظر قانونگذار قلمداد می‌کنند؟ پاسخ این است که برخی موارد قانونگذار خود در قانون موضوعه، هدف با اهداف موردنظر را بایان می‌کند که در رابطه با دعاوی مطرح شده است به این قانون با قانونی به تبیین آسان خواهید بود. اما مشکل در روند بیان تکرار هدف توسط قانونگذار بوده و این وظیفه دادگاه‌ها است که چنین هدف را با ملاحظه تفسیر کنیت قانون در ریایه و تعبین کند در این مورد به دلیل اینکه هیچ قانون موضوع‌های برای بررسی محدودیت‌های اختیارات وزرا و مقامات عمومی وجود ندارد، دشواری بیشتری وجود دارد (شیرازی، ۱۳۷۹، صص ۸۸ و ۸۹ نجات فوامه،۱۳۸۷، صص ۸۹ و ۸۷ فاژاد،۱۳۹۱، صص ۳۲-۳۱).

Congreve

۱- یک مثال کلاسیک از هدف نهان در جایی که قانون موضوع هیچ تصمیم‌گیری نکرد به یاده اداره مسکن در ابتدا به راه‌اندازی مجوز تولید مهارت داده در صورت عدم درخواست ۶ مرار در خواست در ابتدا خواهد شد. این اعمال اهمیت مجوز در وضع اعمال اعمال سازمان صلاحیت اختیاری بود به دلیل اینکه نخست وضع مالیات دیگر، تصمیم استخدام صلاحیت نیست و دوم اظهار هم‌اکنون این مجوز به عنوان افزایش ارزابی برای اختیار بود که کار را به شده بود (Leyland&Gordon,2005,p.269)
برخی معتقدند در زمانی که مبانی و دلایل عملیاتی در قانون مشخصاً موجود باشد، معیار نظری مناسب استفاده از عوامل تامین با توجه به مشخصات قانونی کلی و در قضایای مهم باشد، معیار اهداف ناشازیت برای کنترل قضاءی مناسب خواهد بود (شیرازی، 1392، ص. 58).

در این موارد، روش دادگاه‌ها در تعیین هدف قانونگذاری امکان دارد که در شرایط خاصی این باشد که به آنچه از سوی ارائه‌دهنده لایحه در سابقه‌های پارلمانی مطرح شده، توجه کند، اما این امر با صورت‌جلسات پارلمان با دقت‌اًب‌با توجه به معیار تعیین شده در این حکم، قابل توجهی بنا به هم‌نگانه و برخی از اعضای مجلس اعیان، ظهور داشته‌اند که این روش، تنا باید با هدف تفسیر میراث میهم انجام شود و نه برای تعیین سیاست کلی پیش‌توانه یک قانون، روش دیگری که اصولاً دادگاه‌ها مالی به آن هستند، این امر که هدف را از طریق قانون استنباط کند و تصمیم مورد اعتراض را در صورت اطلاعات داشته باشد، هدفی، غیرقانونی قلیل‌ترند. (خواه، 1388، صص. 879)

از آنجا که تعیین هدف، بر عهده قاضی و وسیله به صلاح‌الدین و است، چه بسا که آرزوهای غیرقانونی در تصمیم‌گیری دادگاه نسبت به مطالعات داشته‌ایم ناشی از تصمیم مورد اعتراض با هدف قانون‌گذاری سنگین‌خیابان داشته‌اند. چه بسا دادگاه‌ها به مناخه در امر سیاست‌گذاری متمایز هستند و یا آنکه با استنباط خود با نظر می‌رسد صلاحیت وسیعی را اعمال کرده‌اند، به غیرقانونی دانست تصمیم مبایت کننده‌اند. (خواه، 1388، صص. 879)

به طور مثال: در قضیه برای علیه وزیر امور خارجه، به دلایل، صلاحیت قانونی این‌ها شد که برای اهداف «اقتصادی» به دیگر کشورها کم مالی کند دولت تصمیم گرفته به ماژی برای استفاده در پروژه‌های بزرگ کمک مالی دهد. دادگاه استنادی رأی داده: انسان خود نمی‌تواند از طریق قانون داشته‌اند که با اهداف اقتصادی داشته است، که امر اقتصادی داده‌اند. در بر می‌گردد و پانزدها، دادگاه حق دارد استنباط کند که این تصمیم، بر مبنای یک هدف عمیق اتخاذ شده است با بخیر؟ (تشکیل برای مهیت بخشیدن به فروش اقدام نظامی به مزایا) در این قضیه دادگاه به

شتیل‌فرات از ارزیابی حسن تشخیص و درستی تصمیم دولت گام نهاده است.

3-1-2-1-1 نحوه تفکیک اهداف اصلی

پس از جدّی‌بودن است که آیا صورت یک تصمیم از سوی مرجع عمومی در صورتی که بنا به تجربه شخصی گرفته باشد، که براکی از آنها مطابق هدف قانون‌گذاری گرفته یا برکی دیگر، نامناسب با آن باشد، می‌تواند مصداقی از سوی استفاده مرجع عمومی از اختیارات باشد؟
در این خصوص مصاديق متفاوتی در حقوق انگلیس وجود دارد: به طور مثال، در پرونده آر علیه لیون (1888)، شورای استاندارد، تصمیم به تحریم محصولات تسلیم گرفت. به این دلیل که شل در افریقای جنوبی که تحت حاکمیت آپاراتیت بود، منافعی داشت. دادگاه نظر داد که این سیاست اگرچه با هدف صحیح توزیع روابط نژادی مسلمت آمیز در منطقه صورت گرفته بود و می‌تواند از نظر قانونی موجه باشد اما این هدف جانی ناصحیح را هم به همراه داشته که با هم‌سویی دیگر مراجع محلی، شرکت نسل را تحت فشار قرار دهد تا روابط تجاری با افریقای جنوبی را قطع نماید؛ هدفی که تصمیم مرجع مربوطه را تحتالشعاع قرار میداده و موجب بحلان آن را فراهم می‌آورد است.

برعکس، در پرونده شرکت استیس کریسلر علیه راه آهن لندن و شمال غرب، در سال 1957، مرجع عمومی محلی، صلاحیت صادق دستشویی‌ها عمومی را داشت اما ساخت یک زیرگذر را ترسیب به این طرح افزود و تبدیلی در راستای اعمال صلاحیت‌گذاری، وضعی آسان برای غرب و مرور افزایش در خیابان هر فراهم آورد. این تصمیم با این حکم از سوی دادگاه مواجه شد که اقدام قانونی و بلاشکال بوده است؛ هرگز اخبار زیرگذر نسبت به احداث دستشویی‌ها هدف‌ی جانی و تبعی بوده و منع تحقیق هدف عمده و اصلی تشکل است (Leyland&Gordon,2005,p.276; Alder,2002,p.374)

مثال دیگر، پرونده هانگر علیه وزیر مسکن و دولت محلی (1963) در خصوص دستور به خرید طبق قانون مسکن 1957 است. شاکی مدعي بود که دستور به خرید با دو هدف صادر شده است که یکی از این اهداف، مشمول قانون مسکن 1957 بوده است. استدلال شاکی این بود که هدف اصلی از صدور دستور خرید، توسعت به‌زرگارها بوده است، حالی که قانون 1957، به مقام اداری، اختیار مهیا کردن مسکن را اعطای کرده است و توسعت به‌زرگارها؛ نیاز این دستور، خارج از اختیار مقام اداری بوده است. قاضی مگاو اشاره داشته است که تفکیک بین این دو مورد که انگیردی مقام اداری، تهیه مسکن بوده با توسعت به‌زرگارها، دشوار است؛ ولی رای دادگاه به‌ین نحو بوده که طبق قانون مسکن

1 برای دیدن مورد مشابه رکه پرونده وع علیه وزیر مسکن در خصوص سابقه حفظ‌های ساختمانی 1965 لیزراد (1923، صص 89 و دعاه علیه اداره امور راه دانلند 1983) (نگاهت خواه).
۱۹۵۷ روبه روی درست آن است که توسط مقام اداری اتخاذ شده است: چراکه برای اجرای چنین طرحی، مقام اداری حق برانامه‌ریزی و بررسی ملاحظات مختلف را داشته است. (Leyland & Gordon, 2005, p. 274)

با توجه به آنچه که در روبه روی آمده است می‌توان تأیید گرفت که در رابطه با مواردی که در آنها ایجاد و انگیزه دخالت دارد، اگر اهداف فرعی که بخشی از اینگونه مقام عمومی برای تصمیم‌گیری اقدام بوده‌اند به طور منطقی و قابل قبولی متفاوت بر هدف اصلی و متنج از آن بوده باشد، به گونه‌ای که هدف اصلی به‌آوردند شده و تحت‌الشمع اهداف جانبی قرار گیرد، موجب برای ایجاد تصمیم‌گیری اقدام مرجع عمومی فراهم نمی‌آید. در این صورت، قاضی گلی پیوند نیز اظهار داشته است: مراجعه مرجع عمومی، تنها در صورتی که موجب آرزوی از «تحت‌الشمع» تحت‌الشمع هدف نامتیابی بوده باشد، غیر قانونی خواهد بود. با این توصیف، در اینگونه موارد، تا چنین که هدف عمده و غلبه از یک تصمیم یا اقدام مرجع عمومی، همانند هدف یا نشان که به بازار، صلاحیت و اکاذیب و شده است، اشکال ندارد که هدف یا اهداف جانبی هم برآورده شود (نیاخدوی، ۱۳۸۸) . (Leyland & Gordon, 2005, p. 274)

۱-۲-۲- توجه به ملاحظات نامربوط با عدم توجه به ملاحظات مربوطه

یکی دیگر از فاکتورهای شکل دهندگی سوء‌استفاده از اختیارات، این است که مراجع عمومی باعث عوامل و ملاحظاتی که به‌طور ترکیبی می‌باشند، در تصمیم‌گیری خود دخالت ندهند: همسنجی مراجع عمومی باعث ملاحظاتی را که مرتب و مؤثر در تصمیم‌گیری می‌باشند نشان دهنده و صحیح ذکال دهند و آنها را نادیده بگیرند. قصاید در توجه به ملاحظات مربوط می‌تواند به معنا آن باشد که مقدم تصمیم‌گیری‌های برون‌الدولتی است، از این‌رو جهت توجه به تصمیم‌گیری است، در عمل نموده‌اند (مینیان و مشهدی، ۱۳۹۱). (Leyland, 2005, p. 276; Barentt, 2007, p. 67)

البتا باید تأکید نمود که عدم توجه به عوامل مرتب و مؤثر از اتخاذ تصمیم و توجه به عوامل غیرمرتب، در صورتی زمینه‌بندی مداخله‌دار خواهند گرفته، که جهت کنترل قضاوت‌های مرتب، به‌طور کلی کار، ویژه‌ای اداری مربوط نشود که تاکیدی بر حقوق اشخاص ندارد. تاکید، تصمیم از نظر مادی به باطلیت آن عامل مرتب یا غیرمرتب، تحت‌الشمع قرار گرفته باشد (نیاخدوی، ۱۳۸۸، ص. ۱۸۸).
توجیه به ملاحظات مربوطه

در حقوق انگلستان، مصادر متفاوتی از این امر وجود دارد. در یکی از پروندها در سال 1968، دادگاه اعلام کرد که اقدام وزیر به موجب یک صلاحیت قانونی خاص، نابود به جای آنکه پیرو خصوصی قانونی باشد تحت تأثیر ملاحظات سیاسی و سیاسی قرار گیرد. (Alder, 2002, p.374)

لحاظ ملاحظات مربوط، در تصمیم گیری مقامات اداری در پرونده شورای بخش برمنلی لندن به شورای لندن برگ در سال 1983 نیز مطرح گشت. در این قضیه، شورای لندن تصمیم به افزایش میزان مسافرین از طریق وسایل نقلیه عمومی منجر به افزایش میزان ترافیک و ازدحام وسایل نقلیه و گاهی چنین هدفی، به مرحله مالی این بخش را ملزم به پرداخت بیشتر مبالغ جهت درآمد بخش نقلیه عمومی نمود، مایل به حذف ملاحظات اولیا و آن را نویس سوی استفاده از اختیار مقرر در قانون حمل و نقل لندن منفی 1969 دانست و عرض چنین تصمیمی را دریافت بیشتر سویسید دانست;

چنین تصمیمی، هم‌اکنون، به وابستگی به یک اصل اختیار ناشی از قانون مذکور، را لحاظ نکرده است و با بررسی بیشتر، مشخص می‌شود که مقام تصمیم‌گیری هدف سودورزی شخصی می‌باشد.

(Barentt, 2007, p.766)

مثال دیگر، پرونده‌ای بر علیه هیأت نظارت بر آمونش موظف شده بود که در مورد شکایتی که نسبت به نرخ‌های متقاطع پرداختی به مالمان در مدارس متفاوت بود، پیگیری کند. ولی بعضاً هیأت نظارت گزارش متقابل نمایندگان وی را رد کرد. از این مسئله به دادگاه شکایت شد و نظر دادگاه این بود که دادگاه زمانی صلاحیت مداخله ندارد که صلاحیت محول به دیوان‌ها، با حسن نیت و بدون تأثیر گذشته از ملاحظات نامربوط با غیر اصلی یا دلایل‌های غیر قانونی؛ اما دادگاه‌ها می‌توانند از اعمال اشباه صلاحیت توسط دیوان‌ها ممانعت به عمل آورد و در این صورت، تفسیر هیئت نظارت از قانون صحیح نبوده و صلاحیت واقعی را اعمال نکردند بودند (Leyland, 2005, p.277).

قضیه دیگر مربوط به شورای محلی پولتر در سال 1992 است. این شورا بر اساس قانون صلاحیت پرداخت دستمزد به کارکنان خود را یافته بود. این شورا قصد ایجاد یک مدل کارفرمایی سوسیالیستی داشت و بر طبق آن، حداکثر مزد هفته‌گی تمام کارگران زن و
مرد را ۴ پوند تعیین کرد. روان دستمزد برای، در اوین قرن پیستی مقرر می‌شود و این به آغاز پذیرش در سال‌های ۱۹۲۲ و ۱۹۲۳ نویز زوال مشخص در معشود و دستمزدها وجود ندارد. در مقابل، بیکاری و تورم افزایش یافته، در این زمان، کاهش دستمزدها آمری طبیعی به نظر می‌رسد اما شوهر، با این حال، دستمزد‌های بیشتری که یک ادامه داد؛ چراکه معتقد بود صلاحیت قانونی شورا طبق نص مربوطه، برداخت مزد کارگران «به مزایای که فکر می‌کند مناسب است» می‌یافتد. ذی حساب، مزایای از دستمزدهای مذکور را غیرقانونی دانسته و اعتزای شوهر را شخصاً مسئول پس داده آن نمود. مجلس لردان، پس از رسیدن دعا نزد وی، نظر ذی حساب را تأیید و بیان کرد که پارلمان، اینچنین ارادة کردی است که شوهر در تعیین دستمزدها، باپیسته به دور کار و شورای اقتصادی توجه نماید. رفتار شوهر بدن نگه توجه به این امور است. پس از که دولت و همین‌طور تنظیم شورا نمی‌تواند انتصاب شورای ملی این ملاحظات نامربوط و عدم تغییر مقول و منفی به ملاحظات مرتبط، مصداق سوءاستفاده از اختیارات است(شرزاد)۱۳۹۲، ص ۲۹). قضاوت به دیگر در این زمینه، قضیه ویلر علیه انتخاب شهر برای است ۱۹۸۵ است. در این بروند، مجلس اعیان در حکم خود به خوبی اصل منصوبه بودن تصمیم اداری را لحاظ کرد است. در این مورد، مقام محلی، یک باشگاه را به دلیل اقداماتی نظر رفتند و شوهر با باشگاه به آمیزه عضوی (در زمانی که وقتی و آمیزه منبع) از ادامه و فعالیت بزد. استفاده شوهر این بود که طبق قانون روابط نژادی۱۹۷۶ (بخش ۱) عمل ساقه معطل است. نظر مجلس لردان در این قضیه به دنبال نحو بود که مقام محلی، قانوناً می‌تواند موضوعات مربوط به لایه‌بندی را مقدار دهند اما در این مورد، تعاونالاها و غیر منطقی است که رها که محاسب حاضر و مجلس سایری نیز نظر داد که نیاز به تأیید تصدیقی و مسئول غیر سایس (در انجا ورزشی) تسنیپ یاد، به نویسی که تحصیلات بسیار نیاز مه بوده به مسایل و موضوعات حقوق و حقوق سیاسی و فردی یاردهد. (Leyland & Gordon, 2005, p. 272; Barentt, 2007, p. 766) هدف شورا که مجایب باشگاه بوده است، یک نوع سوءاستفاده از اختیار محصول می‌شود؛ چراکه باشگاه مزبور امشباهی نکرده و فقط از رفت اعیان به افرادی گنبدی
ممکنت نکرده است. همانطور که می‌بینید در واقع، دادگاه نظرش را به شورا تحمل و
نظر شورا را نمایش قلمی می‌کند و این بایگانی‌کننده این مطلب است که در حقوق عمومی،
(Leiland&Gordon, 2005، ص 272)
اما در رونده قضاوتی دیوان عدلات اداری در خصوص عدم توجه به ملاحظات و شرط
غير مرتبط و توجه به ملاحظات مربوط، مصادیقی وجود دارد که مواردی از این آورده
می‌شد:
الف) بر طبق بنچ ماده ۷۷ قانون برنامه‌سازی توسعت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری
اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹، تأمین صدرصد هزینه‌ی بیمه‌های مکمل و مکمل جابجایی و
درمان خاص آنها بر عهده دولت است. معلوم مطرح نموده و برنامه‌های قوه قضاییه طبق
بخش‌نامه شماره ۱۳۸۶/۲/۱۷ مورخ ۱/۸/۲۸۸۸ اجازه این حکم را منوط به تأمین
اعتبار نمود و هیأت عمومی دیوان عدلات اداری طی رأی شماره ۱۸۵ مورخ ۱۳۸۶/۱۲/۲۰،
آن را ابطال نمود با این استناد که: «دولت حکم مقتضى مفید تکلیف دولت در تأمین
اعبار است و اجازه حکم مقتضى، مشروط به تأمین اعتبار نشده است. به همین لحیال
بخش‌نامه مذکور که اجازه حکم قانونگذاری را مشروط به شرط دیگری کرده که ماندن
قانون‌گذاری نیوده، مغاير قانون تشخیص داده شده و ابطال شده است».
ب) در رأی دیگری در خصوص احساس سنوات تحصیلی افرادی که در دوره عالی
تربیتی طلاب تحصیل کرده و جذب آموزش و پرورش شدنده مقام اجرایی، شرط
سرپند تهدید منهای زمان اضافه کرده است و احساس سنوات را منوط به سرپند تهدید
تبی نموده است. دیوان به موجب رأی شماره ۱۳۴ مورخ ۱۳۸۶/۲/۱۳ به دلیل افزودن
قید دیگر، آن را باطل کرد.
ج) رأی دیگر در خصوص دریافت کارمزد توسط مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی
ایران است که به موجب ماده ۱۳ و ۱۶ قانون مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی
ایران، این مؤسسه در قالب ارائه خدمات مذکور در قانون و بر منای طبقه‌بندی
خدمات، قابل دریافت است؛ اما این مؤسسه اقدام به اخذ کارمزد از واحدهای صنعتی
خصوصی به مأخوذ عوامل نامرتبط نموده است. به همین استناد، هیأت عمومی دیوان
عدالت اداری به ابطال تصویب‌نامه شماره ۱۵۰۴۳/۱۵۰۴۳ مورخ ۱۳۹۶/۲/۱۷ به موجب قانون
نمونه‌دار‌دانه شماره ۲۲۰ مورخ ۱۳۷۹/۷/۱۳ (۱۳۷۹/۷/۱۳ هجمان هیأت عمومی دیوان

۱۸
عدالتاداري طی دادنامه شماره ۲۸۴ صورتحا ۱۰/۳۱، دستور العمل شماره ۲۸۴ صورتحا ۱۰/۳۱، محرم کرک ایران را در مورد تعیین بهای کالا‌های وارداتی، از جمله رعایت کلیه عوامل مؤثر در تعیین بهای کالا‌های وارداتی و وصول حقوق گمرکی، خارج از حدود اختیارات اداره گمرک ندانسته است.

(۵) در این خصوص، دادنامه شماره ۳۷۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مورخ ۱۳۸۲/۸/۱۰ به خواسته ابطال قسمتی از بند یک مصوبه شماره ۱۳۸۲/۸/۱۰ محرم ۱۳۸۲/۸/۱۰ هیأت وزیران را نیز می‌توان در این راستا ارزیابی نمود: «حكم مقرر در ماده واحده قانون نحوه برداشت علیه به کارکنان دولت مصوب ۱۳۷۷، مفيد تکليف دولت به برداشت عید به کلیه کارکنان به منظور مصادعه به آنان در جهت تأمين قسمتی از هزینه خاص ایام نوروز با دوinker ذکر قیود و شروط خاص است: بنابراین، مقد مومدن برداشت کمک مزبور به کارکنان دولت به قید و شرط رضایت از خدمات آنان، می‌باشد صریح هدف و حکم صریح مقنن است و بدين جهت عبارت «به شرط رضایت از خدمات آنان» از متن مصوبه فوق الذكر ابطال و حذف می‌شود.»

۲-۲-۱- نحوه تشخیص ملاحظات مورد نظر قانونگذار
در این قسمت یکی از این مسائل پردازش که چگونه می‌توان ملاحظات مرتبط و
غيرمربوط را تشخیص داد. در مواردی، عوامل و ملاحظات مرتبط و غیر مرتبط دقباً و به
طور صحیح در خود قانون مشخص شدند و یا آنها به طور ضمیمی و بر اساس موضوع,
فلمن و هدف قانون موضوعه تعیین می‌شوند. همچنین در صورت عدم تبعیض صریح,
کنترل قضایی تصمیم اداری به لحاظ رعایت اصول تناسب و معقول و منصفانه بودن،
همچنین پیدا کردن هدایت و مشهدی. ۱۳۹۴ ص. ۲۷۴
مثل اینکه در قانون برنامه‌ریزی شهری و کشوری مصوب ۱۹۹۰، صریحاً مشخص شده
باید که در رابطه با تعیین تکلیف درخواست‌های مجاز طرح مرکز محلی و در صورت
تجدیدنظر خواهی، وزارت کشور باید «طرح تسویه» و «هرگونه ملاحظات مادی دیگر» را
مورد توجه قرار دهد و یا آنکه در قانون برای صدور جواز، فعالیت در پازار شرک شده باشد
که باید رعایت شود که آزادی اجازه فعالیت باین‌د که شخص سالم و مناسب باشد، که
در اینجا بررسی محدود می‌تواند قبلاً درخواست‌دهنده صدور جواز، به غیر اطلاعی می‌تواند
ملاحظاتی مرتبط آنی ضمیمی به شمار آید(جوابی خواهد ۱۳۸۶ صص. ۱۰۱-۱۰۲).
همچنین دادگاه از اوضاع و احوال مناسب با اهداف و ملاحظات ملاحظات مانند
قانونگذار را تشخیص می‌دهد. پس از بررسی و تشخیص، دادگاه در صورتی که ملاحظات
غيرمربوط، تأثیری در نتیجه تصمیم داشته باشد، آن تصمیم را لغو نمی‌کند اما
اگر تصمیمی، تحت شرعیان ملاحظاتی باشد به نحو تصمیم اقدام می‌نماید
در خصوص عدم توجه به ملاحظات مرتبط نیز به همین
ترتیب اقدام می‌شود.
اما این سوال مطرح است که آیا ملاحظاتی که به طور ضمیمی از قانون بر می‌آیند,
برای مقام تصمیم گیرندگان از این است؟ این امر بستگی به ارادة دادگاه دارد و به‌نیش این
موضوع می‌تواند به عنوان یک خطر به شمار آید که دادگاه، نظر و سیاست خود را
جابزیکن دیدگاه مرجع عمومی قرار دهد(جوابی خواهد ۱۳۸۶ صص. ۱۰۱-۱۰۲).
اما نکته‌ای که در این است که آنکه در رابطه با یک تصمیم کیفی، «مرتبه»
قلیداد می‌شود. می‌تواند با توجه به بروز عوامل یا تغییر در ارزش‌های جامعه، تغییر یافته
و صورت متقابلی به خود بگیرد؛ به طور مثال، عام‌بودن عبارات قانونگذار می‌تواند موجب
برای تفاوت متفاوت از عوامل مرتبط باشد؛ همانطور که در دعاوی استریتیک گذشته ویر
اردان رای داد که عبارت قانون، مفید عدم توجه به سایر عوامل و انحصار به یک عامل خاص نبسته و توجه به عوامل دیگر نیز در صورتی که به نحو معقول و مناسبی مرتبط محسوب شوند، توجه به اثر است (Alder, 2002, p. 375).

مثال دیگر پرونده/ر علیه کمیته رسیدگی به شکایات مربوط به پخش رادیو و تلویزیون (1985) است که شامل هر دور ملاحظات مرتبط و غیر مرتبط بود. دکتر دیوید اوین، رهبر حزب دموکراتها (SDP) نگران عدم پوشش کافی رسانایی این حزب در مقایسه با حزب کارگر بود و از این مسئله به کمیته شکایات پخش رادیو و تلویزیون کمیته در 1981 استاد گرد که بخش 54 قانون پخش 55 قانون صلاحیت ندارد و رسیدگی نکرده است. دیگر کمیته این بود که طبق بخش 55 قانون مشترک خصوصیات استادگان انتخابی از رسیدگی به شکایات امتیاز دهد. اما نظر دادگاه خلاف این بود. دادگاه اظهار داشت که عدم رسیدگی کمیته، خروج از اختیار بوده و BCC پابندی می‌کرد. اما با استادگان کمیته در قسمتی که می‌گفت: رسیدگی به این شکایات منطقه‌ای تغییر دی نمی‌دهد که نتیجه نتایج در زمینه پخش است و این را مانع برای رسیدگی می‌دات، موافق بود.

دشواری برقراری توافق در تصمیم‌گیری، زمانی که بحری از دلیل خوب و برخی بر

هستند اینجا نشان داده می‌شود. دادگاه به این نتیجه پی برده که اگر استادگان

می‌شنود و به دلایل بد توجه نمی‌شود، کمیته به همان تصمیم می‌رسید و تصمیم کمیته

پخش نشد. چراکه یک قبیه بود. در این تصمیم ممکن است ملاحظات غیر مرتبط دیگری

وجود داشته باشد که دادگاه باید بررسی و کشف کند. دشواری تفکیک و برقراری توافق

Leyland & Gordon, 2005, pp. 278-279

همچنین در مواردی که مجموعه وسیعی از عوامل باعث مورد توجه قرار گیری، دادگاه

می‌تواند به سارژان اداری محول کند که جه عواملی مرتبط محسوب می‌شوند و فقط در

صورتی دخالت می‌کند که تصمیم مقام اداری خودسرانه و افراتی باشد. برای نمونه، در

پرونده/علیه سامسرست، اعضای دادگاه استنباط اظهار داشتند: مرجع محققی نمی‌تواند بر

اساس صلاحیت داده بدن بر دیده جدیت و شن منفي به دلیل این مرجع، شکار

حیوانات خاصی را با اصول اختلاشی خود سازگار ندانسته و آن را اختلاف انجام داده یا قلمداد

می‌کند. اقدام به منع شکار یا شده کند؛ زیرا همان طوری که یکی از قضاط خاطر نشان

کرد است، به عنوان یکی از اصول اصلی حقوق عمومی، صلاحیت یکی به هدف خاصی

22
که عبارت است از برآورده کردن منافع عمومی جامعه، اوطا مشور و نه با نا به انچه که دارند صلاحیت خوش‌اندیشی باشد و ملاحظات اخلاقی فقط در صورتی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد که این امر به حکم صریح قانون مجاز باشد (Alder, 2002, p. 376).

3-2-1- غیرمعقول بودن
برخی غیرمعقول بودن را از مصادری سوء استفاده از اخبارات به شمار می‌آوردند (Bradely & Ewing, p. 773). چرا که غیرمعقولة بودن، اغلب تاورما دو مفهوم خروج از اخبارات و سوء استفاده از اخبارات به کار می‌رسد (Leyland & Gordon, 2005, p. 269). و برخی نیز غیرمعقول بودن را توجه به ملاحظات مرتب و عدم توجه به ملاحظات نامربوطه می‌دانستند (Leyland & Gordon, 2005, p. 276). غیرمعقول بودن یا غیرمعقول بودن می‌تواند از طرف یکی از صلاحیت اخباری با استناد خاصی از قانون یا واقعیت مورد استفاده قرار گیرد. این سبب بیانگری، پس از اظهارنظر برگیرنده در پرونده «خانه تصویر علیه مؤسسه ورزی» معمولاً با عنوان غیرمعقول ورزی» نامیده می‌شود (هداوند، 1389، ج.2، ص. 64). در این دوا شرکت ورزی بر اساس قانون تمام‌های روز شنیده صربال 1933، به شاکیان اجازه داد که سینماهای خود را در روزهای شنبه بار نگه دارند اما بچه‌های زیر 15 سال اجازه ورود نیافتند.

شاکیان، استدلال نمودند که این محدودیت غیرصلاحیتی بوده و موضوع مربوط به شرط سنی باید شده از سوی شرکت خواند، مورد تصمیم‌گیری مجدد قرار گیرد (محمودی، 1390، ص. 34-35). قاضی گیرن، عقلایی نیودن ونیزی را به دو صورت مطرح نمود:

1- برداشت موضع: بر اساس این برداشت، عقلایی بودن با سایر جهات نظرات شامل ملاحظات نامربوطی یافته قبلا مبنا یافته و هم‌میانی دارد.

2- برداشت مثبت: بر اساس این برداشت، یک تصمیم غیرصلاحی که هیچ انسان به هناد عمومی معقولی قادر به صدور آن نباشد بايد مورد ارزیابی قرار گیرد. این برداشت از طریق اظهارات بین‌دلایلی در دواوی SQHP مورد پذیرش قرار گرفت. همچنین ادعای استاندارد‌ها اخلاقی شناخته شده، آنچنان مورد تبعید قرار گرفته باشد که هیچ انسان با درک و عشوری بدان دست نمی‌زند. بر اساس این برداشت، یک تصمیم می‌تواند به دلیل صدور به منظور رسیدن به اهداف غیرنامتی باشد که به خاطر آن مورد اعتراض قرار گیرد که هیچ مقدم مقاوم معقولی نمی‌توانسته به آن دست یابد. ارد گرین
در این زمینه می‌گوید: تصمیم اتخاذ شده به قدری پوچ و مزرع است که هیچ فرد علاقه‌مند تا خیال کننده که صلاحیت اتخاذ چنین تصمیمی به مقام اداری اعطا شده است (محاسبي، ۱۳۴۲، صص ۲۳۴–۲۳۶، شیراز ۱۳۴۲، صص ۲۹۰–۲۹۱).

در مواردی، تصمیم اتخاذ شده توسط یک مقام اداری ممکن است به دلیل ایجاد شرایط دستوار و وضعیت خاصی که به نوعی مانع از اجرایی شدن و عمل آن در نظر گرفته، عنوان متفاوت‌ها به جهت غیرمتعاقب‌یابی منتشر شده و دهایی شرکتی، به عنوان مثال، در دعواهای شرکت پیکس‌گرینت، وزیر مسکن و دویت محلی در سال ۱۹۵۸، دادگاه بیان می‌دارد که تصمیم اتخاذ شده توسط مقام مسئول می‌باشد، مقاومت به پیشنهاد خود یکی از احتمالاتی که ممکن است به دلیل انجام موقت باشد. به علت تصمیم موجه ایجاد فرآیند و شرايطی در این مطالعه در سال مشابه، آن زمانی است که جنگ صلاحیت به موجب قوانین و مقررات عمومی ارجاع شده و پیدا است که مرجع مربوطه، کدام یک از آنها را به کار خواهد بست. استفاده از یک صلاحیت برای کنار گذاشتن دیگر صلاحیت‌ها غیرقانونی خواهد بود، تصویر اکثر حقوق یک شخص را تحت تأثیر خود قرار دهد. به طور مثال، در دعاونهای بانک وست‌بنیستر علیه وزیر مسکن و دولت محلی (۱۹۷۰) که در آن، مرجع عمومی از دو صلاحیت مختلف برخوردار بوده است، صلاحیت اول، ریک تسویه به موجب قانون برنامبریژ شریف و کشوری و صلاحیت دوم، تعریف بزرگ‌تر به موجب قانون برنامبریژا به مورد اختیار مستلزم می‌باشد. خسارت بوده است: حال آنکه در جریان پرداخت خسارت بوده است. به دارای کنونه، هرج و نهادی که مرجع عملی با انگیزه عدم پرداخت هرگونه خسارتی، به دادگاه می‌دارید نموده است اما از آنجا که قانون برنامبریژ شریف و کشوری صریحاً، أجایش می‌دارد، دیگر صلاحیت‌ها نادیده گرفته شوند تصمیم، خارج از حدود اختیارات و غیرقانونی شناخته نشده است (نجات خواهی، ۱۳۸۸، صص ۲۷۰–۲۷۱).

2- مفاهیم مشابه سوء استفاده از صلاحیت اختیاری در فقه و حقوق خصوصی

پس از بررسی مفاهیم سوء استفاده از صلاحیت در حقوق اداری، به این مسأله می‌پردازیم که آیا مفاهیم مشابه این امر در حقوق خصوصی و فقه نیز وجود دارد و گرچه این مسأله وجود دارد معیار، مبانی و مصایق آن کدامند؟ با ملاحظه در حقوق خصوصی، مشاهده می‌شود که مباحث سوء استفاده از حقوق، از مفاهیم مشابه سوء استفاده از صلاحیت است. سپس توجه به اینکه در حقوق خصوصی، اصل بر وجود اهلیت است، وجود حق نیز به منزله اصل بهره و محدودیت این آن نیز مشکل بوده و نیازمند دلیل است. برخلاف حقوق عمومی که به دلیل اصل عدم صلاحیت محدوده صلاحیت صاحب این امر و کمترین خطا در داخل صلاحیت با خارج از آن به دقت مورد کنترل قرار گرفته و دست مقدم دارای صلاحیت را محدود می‌نماید.

1- سوء استفاده از حقوق در فقه اسلامی

در حقوق اسلام، عنوان مشخص سوء استفاده از حقوق به کار برده نشده است و اما بر طبق قااعد لایس، صاحب حق در چگونه اجرای آن به طور مطلق آزاد نیست. قااعد لایس محدوده وسیعتری از مسائل سوء استفاده از حقوق دارد که در هر چیز اعمال حق هرمان با ضریب یا بادش، حاکم شرعی می‌تواند مانع تحقق حق گردد (رمیک۹۸، ص۳۶۴). کاتالوژی (۱۳۸۷، ص۱۱۳).

این قاعد، در ماده ۱۳۳ قانون مدنی کشورمان نیز وارد شده و در تحت مالکیت به طور خاص باید است، که اعمال حق فردی نمی‌تواند همراه با ورود ضرر به غیر باند در قانون کریم نیز اضرار به غیر فقیدان حسن نماید در اجرای حقوق و تجاوز از حدود مقرر در حقها، ممنوع اعلام شده است و با استفاده از واحدهای مانند: «ضرر» و «ضرر معروف» و «ضرر معمول» و مشتقات آنها. در آیات ۱۸۰، ۲۷۹، ۲۷۷ سورة البقرة و آیات ۱۲ و ۲۴ سورة النساء و آیات ۲ و ۶ سوره طالب، این اصول تأکید شده است (رییک، ۱۳۸۹، ص۶۹).

از این سوء استفاده از اختیار مقام اداری، در فقه اسلام نظریه قوی وجود ندارد و نمی‌توان تنهایی بر مبنای ورود ضرر به دیگران نیز به اعمال محدودیت در صلاحیت مقام اداری پرداخت. چراکه در موارد متعادل، مقام اداری بدون خروج از صلاحیت و بدون ورود ضرر به دیگری، از صلاحیت خود سوء استفاده کرده و از هدف اصلی منحرف می‌شود.
سومین بخش از حقوق خصوصی

۲- مفهوم سوء استفاده از حق در حقوق خصوصی

پیش از سده اخیر، به‌سیاری از نویسندگان اروپایی تصویر می‌کردند که حق داشتن یا تقصیر جمع نمی‌شود؛ به این معنی که اگر کسی حق خود را اعمال کند، هرچند در این راه به دیگری خسارت وارد کند، خطاکار و مسئول به حساب نمی‌آید. بر طبق این نظریه، صاحب حق می‌تواند به هر صورت و با هر اندیشه‌ای که دارد، تا جایی که از حدود قانون و فیکاد اختیار خود تجاوز نکند حق را به کار برده. اگر از کار مشروط کسی زیانی به بار آید به دلیل همان مشروط یا به این را مسئول جبران خسارت قرار داد. لازم به ذکر می‌باشد که تا زمانی که حق خود را اعمال نکرده‌اند، حق خود را تخاریز کنند و مسئول به حساب نمی‌آیند. در حال حاضر، مسائل حقوق خصوصی به‌طور گسترده‌ای در زمینه‌های مختلفی مورد بررسی قرار می‌گیرند.
برای کسی که اعمال حق می‌کند، محدود کردن حق و آزادی اوست، در حالتی که اشخاص باید نسبت به امتیازهای قانونی خود احساس امنیت کنند.

پس از تعلیم نظریه اعمال فرد، مفهوم حق نقیب قرد و نویسنده‌گان به‌پرتلی به مفاد حق، گم و بیش‌بینی اجتماعی آن محدود‌می‌شود. حق مطلق نیست و صاحب حق نمی‌تواند وجود حق را وسیله ضرر زند بدهد یا آن را به شورای به کاربرد که از دید عرف، ناهنجاری به نظر آید. از این پس به وسیله مفهوم سوئاستفاده از حق با اجرای نادرست حق، وارد ادیب‌های حقوقی شده (کاتزیوان، 1385، ص 121). پس از بیان این نظریه، عدالتی مفهوم حق را متکلند و تنها برای فرد حق اجرای تکلیف اجتماعی ساخته، برخی ادیب‌های حقوقی سوئاستفاده از حق حاکمیت (برای مطالعه نظرات سه گروه، روی شکل‌پیوسته 1384، ص 46).

در حقوق کاملاً، به این اصل به عنوان یک قاعده کلی توجه چندانی نشده است بلکه برخی عناوین جزئی مانند سوئاستفاده از قدرت، بیشتر مورد توجه قرار گرفته است (ریکی، 1384، ص 46).

اصطلاح سوئاستفاده از حق، کنایه از این معنا است که در پس عوامل قانون، روحو نیز نهفته است که در توجه به قانون، آن روح نیز باید مورد توجه قرار گیرد. وجود حق و اجرا آن امری صحیح است اما اشخاص نباید اجتماع را از یاد ببرند و ادعا کنند که در اجرا حق، آزادی كامل دارند و بیان دیگر، همان طور که عادتی در قوانین معنی می‌کند، حضور داخلی و شیوه اجرای آن را نیز اصول دیگری مقرر می‌دارند که تجاوز از این حوزه روی شکل‌پیوسته 1385، ص 5.

اما باید به این نکته توجه داشت که امتیازی که قانون‌گذار به منظور اجرای احکام خود مقرر داشته است با مفهوم حق، اشتیاق نشود؛ به طور مثال، اگر برای فراهم آمدن تربیت صحیح یا حفظ نظام و ثبات، اختیار تأثیر با حضانت فردان را به والدین و اشخاصی که یا برای خانواده را به شوره می‌دهد، نباید این گونه امتیازی را که در واقع چهار دیگری از تکلیف این اشخاص است با حق، مخلوط کرد و از امتیاز کرد و از این نظر می‌تواند در برای سایر اعضای خانواده سوئاستفاده کرد (شکل‌پیوسته 1386، ص 39 کاتزیوان، 1385، ص 19).

2-2 میتا و معیار تشخیص سوئاستفاده از حق
تشخیص محدوده اعمال حق و سوئاستفاده از حق، امیری مهم است. در حقوق خصوصی،
اصل بر وجود حق و آزادی است. اگر دادرس، معیبار برای تمیز سوء استفاده ناداشته باشد ممکن است خودسرانه و با تشخیص خود از اجرای حق جلوگیری نماید و موجب خشونت در حق‌ها و آزادی افراد شود.

برخی از حقوقدانان، شرط لازم برای سوء استفاده از حق را وجود حقی می‌دانند که امکان اضرار به غیر در ماهیت آن وجود داشته باشد (که برازی، احمدی ۱۳۶۳، ص ۱۰۵، کاتوزیان، ۱۳۵۸، ص ۱۵۰، ریپکی، ۱۳۸۹، ص ۶۶). به نظر می‌رسد که معیار سوء استفاده، از دید ایشان اضرار به غیر است و زمانی سوء استفاده واقع می‌شود که امکان اضرار به غیر در ماهیت یک حق وجود داشته باشد و در اعمال حق نیز اضرار به غیر تحقق عمل یابد.

هدف جامعه مورد استفاده قرار گرفت سوء استفاده از حق محقق شده اساسی است. در گونه‌ای که ابتدا می‌گوید: «همان گونه که ابتدا مدیران دولتی برای آن است که از قدرتشان به سود مصالح عمومی استفاده کنند، در حق خصوصی نیز، هدف زیری از ایجاد هر حق، گیم و بیلش حفظ مصالحی است که به عموم ارتقاء دارد. اگر قانونگذاران حق مالکیت را محترم می‌شمارند به خاطر این است که بهترین راه اداره اموال و بهره‌برداری از زمین را در حفظ آن دانسته است... پس اگر این حقها بر خلاف هدف‌های منابع آن مورد استفاده قرار گیرد، آن سوء استفاده شده و حقوق آن جنین قادم‌اند می‌کند» (که برازی، احمدی ۱۳۶۳، ص ۱۵۸، کاتوزیان، ۱۳۸۹، ص ۷۱).

برخی دیگر، سوء استفاده از حق را ارتشکاب تقصیر در اجرای حق می‌دانند: بدلی معاونب هرک از وضعیت تقصیر خود عاریتی به دیگری وارد کند باشد آنها معتقدند که اجرای حق در روابط خصوصی را می‌توان با اختیاری که به ماموران حقوق عمومی اعطا شده قیاس کرد. در حق خصوصی، مصالح شخصی صاحب اختیار در نظر نیست، اما فقط وسیله حفظ مصالح عمومی است و ارضای‌های تامین‌کننده می‌تواند تا را به سود و مصلحت خودش به کار برداشته‌که برازی، احمدی ۱۳۶۳، ص ۱۵۸، کاتوزیان، ۱۳۸۹، ص ۷۱، ریپکی، ۱۳۸۹، ص ۶۶).

در قوانین مالی ضابطه مشخصی برای تشخیص تحقیق سوء استفاده معمول نشده است و به نظر می‌رسد قاضی است که بر طبق مبانی خود به تعیین معیار سوء استفاده می‌پردازد. به نظر می‌رسد با توجه به تفاوت قابل شدن میزان حقوق عمومی و خصوصی و در راستا...
محدود نکردن حق‌های افراد، باید معیار اول را گرچه به نحو موسع‌تر دیدن ممنا که حق افراد، آزاد و بدون محدودیت است مگر اینکه موجب ضرر به اشخاص حقيقی دیگر یا به اهداف، برنامه‌ها و مبانی اصلی جامعه و شخص حقوق‌های دیگر موجب شود که به تصریح یا تعریف بینگزیده است.

۳-۲-۲- مصادری سوء‌استفاده از حق
از اصول توری مصادری سوء‌استفاده از حق یا اعمال حق مالکیت است. در این خصوص اگر فردی با اعمال حق مالکیت خود موجب ضرر دیگران شود سوء‌استفاده از حق محقق شده و قابل رضایت قاضی ای است.
در عرصه حقوق خانواده نیز در مواردی سوء‌استفاده از حق به کار برده می‌شود. بکی از مهم‌ترین مصادری آن، بر هم زدن نامزدی است که اگر بدان علت موجه انجام شود مصاداق سوء‌استفاده از حق بوده و موجب مسئولیت می‌گردد. این امر به صورت در ماده ۱۴۲ قانون نیز آمده است. موارد دیگری نیز وجود دارد که به دلیل وقوع یا امتناع، می‌تواند موجب سوء‌استفاده گردد اما ضمانات اجرای قانونی برای مورد سوء‌استفاده مانند نامزدی تعین نشده است؛ که به نظر می‌رسد در صورت اثبات سوء‌استفاده شخص از حق، می‌توان برخی ضمانات اجراها را برای آن در نظر گرفت. از جمله این مصادری می‌توان سوء‌استفاده از حق طلاق و حق رفع در طلاق، سوء‌استفاده از حق خال و ضرر دادن کودک و عدم تمکین، سوء‌استفاده از حق راست‌شهر در زمینه تعیین مسکن، استقلال زن در خارج از منزل، سوء‌استفاده از حق تمکین در ایام حسینی، مرخصی احراز و ... سوء‌استفاده از حق ولایت در ازدواج و بیماری یا دختر بایگان، ... را برهمدار که ضمانات اجراها مانند جرایح خسارت با استفاده و مسئولیت دادن به طلاق‌العمل حقوقی انجام شده، اجرا محدودیت در اعمال حق، اجرای مستقیم حق توسط حاکم و قاضی و مسئولیت کیفری را در نظر گرفت. (سایر دیدن محتویات مطالعات مذکور رک: تغییر: ۱۱۸۴، صفحه ۳۸، ۵۶، ۱۲۳۸، ۱۲۸۷، ۱۳۱۱، ۱۱۱۱، ۱۲۴۱، ۱۲۸۰، ۱۲۸۰، ۱۲۸۰، ۱۲۸۰، ۱۲۸۰، ۱۲۸۰، ۱۲۸۰، ۱۲۸۰، صفحه ۳۸-۳۹).

در خصوص حق دادخواهی، در آین دارسی مدنی در خصوص سوء‌استفاده از این حق آمده است که اگر برای دادگاه محترم شود که منظور از اقامه دعا، تأکید در انجام تعهد با این‌نوع طرف با غرض ورزی بوده، دادگاه مکلف است در ضمن صدور حکم یا قرار، مدعی را به تأدیه سه برای هنگام دادرسی به تبع طرف مقابل محکوم نماید(کانونی، ۱۳۵۸، صفحه ۱۲۲).
در میان عقود دیگر، در عقد وکالت نیز امکان سوء استفاده بیان شده است. وکیل در قطع و حفظ به عنوان این است و در صورت تعدی و تفکیک، ضرر، دامنه نخواهد بود اما رفتارهای مانند عدم اعلام به موقع استعفا مشکل، نا به هنگام بودن استعفا، تقصیر و قصد اضرار وکیل، می‌تواند به عنوان سوء استفاده از حق، لاحصرور، از دست دادن فرصت و ... مورد توجه قوه شده و مسئولیت وکیل را به دنبال داشته باشد(شفعی و دیگران، ۱۳۹۱، ص۱۰۰). یکی دیگر از مصادیق سوء استفاده، سوء استفاده از حالت اضطرار است که برای وارد کردن فشار در انتقاد قراردادها و عاملات مورد استفاده قرار می‌گیرد. معاوضه اضطراری طبق قرآن و ماده ۲۴۰ قانون مدنی صحیح است اما اگر یکی از طرفین از اضطراری دیگر سوء استفاده کند یا موجب ایجاد شرایط اضطراری برای طرف دیگر شود تا خود از یک منتفع شود و با وجود آگاهی به اضطرار طرف مقابل، پیشنهاد انتقاد قرارداد تعلیق را بدهد. در این شرایط برخی از حقوقتان این معاوضه را مانند حالت اضطرار، صحیح و برخی از طبق قواعد لاحصرور، انصاف و غیرمعقول بودن معاوضه، آن را باطل و برخی مانند اگر به آن را غیرنافذ و برخی قابل فضح به موجب خیار غیرقاضی و برخی قابل پطارات نا حذ تغییرات انتقادی(انصاری، ۱۳۹۰، ص۱۳۲-۱۳۳).

در حقوق تجارت نیز امکان سوء استفاده از حرف وقوع دارد سوء استفاده از وضعیت اقتصادی مطلقا، رفتارهای ضد قیافی، استغلال و تلافی جویانه و بی‌پناهی را می‌توان از مصادیق سوء استفاده به شمار آورد(عیدی، ۱۳۸۸). اشتراکی مانند نماینده تجاری، قائم مقام تجاری، ناجر حق عمل کار، دلال و مدیران در شرکت‌های سهامی و غیرسهامی نیز ممکن است تحت شرکت‌های مورد توجه بیشتر قرار گرفته است: زیرا مدیران و سایر اعضای شرکت‌ها، از اختیارات ویژه در اجرای مشاغل خود برخوردارند. این امر به لحاظ سوء استفاده، شرط‌ناک بوده و ممکن است موجب تضرر اشخاص متعادل گردد(رک: عفافی، ۴۹). ۱- اوضاع و احوال و شرایط درونی است که شخص را وادار می‌کند به رفع میل باتی عامل عمیل را انجام دهد.
در حقوق کار، سوءاستفاده از حق اعتساب از طریق روشهای با هدف‌های نامناسب تحقیق می‌یابد و در حقوق قراردادها نباید خروج از مذاکرات مقدماتی، مصدازه‌ای از سوءاستفاده از حق هستند (میک، 1389، ص 77).
نتیجه

در تحقق انتظام شده مطالعه زیر به دست آمد:

1- ارکان اساسی در سوء استفاده از صلاحیت، چند مورد است:

- نخست: وجود صلاحیت برای مقام اداری بر طبق قانون برای عمل خاص.
- دوم: انجام عمل در محدوده صلاحیت بر خلاف هدف قانون‌گذاری و یا بدون در نظر گرفتن عوامل و ملاحظات مذکور در قانون.

سوم: عناصر سوئتی به معنای وجود علم و عمل.

2- در حقوق انگلستان، سوء استفاده از صلاحیت اختراعی با مصاديقی مانند اهداف نامناسب و مقایر هدف قانون‌گذاری، توجه به ملاحظات نامربیط و عدم توجه به ملاحظات مرتبط در آرای و غیرعمول بودن در آرای مختلف وجود دارد. در مواردی، اهداف و ملاحظات در قانون به صراحی مشخص شده است و تشخیص هدف مقایر و ملاحظات نامربیط، به سادگی امکان‌پذیر است. اما در مواردی این امر در قانون مشخص نشده و تشخیص این به عهده نهاد ناظر است. در صورت وجود چنین هدف با عوامل مختلف همکاری هم نیز باید تصمیم را مورد بررسی قرار داد که تحتالشمار کدام یک بوده است.

3- بر اساس ذیل ماده 19 قانون دیوان عدالت اداری، سوء‌استفاده از اختیارات، یکی از جهات کنترل قضاوتی تصمیمات، اقدامات و مقررات اداری در نظام حقوقی ایران به شمار می‌آید و با وجود عدم تصمیم بر سوء‌استفاده از اختیارات در آرای دیوان، مصادقتی از اهداف نامناسب، توجه به ملاحظات نامربیط و عدم توجه به ملاحظات مرتبط در آرای و وجود دارد.

4- در قانون اسلامی، قاعدة‌های اخلاقی در قرآن صوصی مانع ورود ضرر به غير در زمان استفاده از حق می‌گردد. این امر در آرای قانون نیز مورد تأکید قرار گرفته است، در قواعد حقوقی نیز طبق قوانین خاصی، می‌توان این امر را دریافت که نیز هدف مقامات اداری مثبت حقوق اسلامی و حاکم باشد که این امر از مصادیق سوء‌استفاده از صلاحیت به شمار می‌روسد.

5- در حقوق صوصی نیز مفهوم سوء‌استفاده از حق با توجه به وجود حق در حقوق صوصی و صلاحیت و اختیار در حقوق عمومی، شناسایی شده و در حوزه‌های مختلف خانواده، این دادرسی، تجارت و ... مصادیقی از آن بیان شده است.

۳۲
فهرست منابع
الف) منابع فارسی
1- قرآن کریم.
2- نهچالاغی.
3- افضلی، عبدالرحمن؛ قساد/اداری و تأثیر آن بر توسعت: غلر، بیامدها و راهکارهای بروت، مجله حقوقی بین المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین الملل ریاست جمهوری، سال ۲۸ شماره ۱۳۹۰.
4- انصاری، علی؛ سوء/استفاده از اضطرار با رویکردی بر اندیشه فقهی امام خمینی(ره)، پژوهشنامه متبین، سال ۱۳، شماره ۳۴، زمستان ۱۳۹۰.
5- انصاری، ولی‌الله؛ کلیات قراردادهای اداری، حقوقدان، تهران، ۱۳۷۷.
6- همایون احمدی، حمید؛ سوء/استفاده از حق (مطالعه تطبیقي در حقوق اسلام و ديگر نظامهای حقوقی، اطلاعات، تهران، ۱۳۸۶.
7- دیلی، احمد و خدادادپور، منیره؛ سوء/استفاده از حق ریاست شوهر در منع اشغال زن، مطالعات زنان، سال ۵، شماره ۲، پاییز ۱۳۸۷.
8- دیلی، احمد و خدادادپور، منیره؛ سوء/استفاده از حق طلاق و راهکارهای قانونی مقابله با آن، خانواده‌پژوهی، سال ۵، شماره ۱۲، بهار ۱۳۸۸.
9- رحیمی، سامیکه؛ سوء سوء/استفاده از حق در تئوریهای حقوقی و مفاهیم قانونی، مطالعات اسلامی، شماره ۲۴، زمستان ۱۳۸۹.
10- سلالکی، غلامرضا؛ تحلیل مفهوم پنهان کاری از ویژگی هستی شناختی تا ابزاری برای فعالیت اطلاعاتی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۵، شماره ۶۵، تابستان ۱۳۹۱.
11- شفیع، بهنام‌الهی و دیگران؛ مسئولیت وکیل مستعفی در قبال خسارت‌های وارد به موقول، پژوهشنامه فقهی، دو دوره ۸، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۱.
12- شیرزاد، امید؛ تحلیل و بررسی بهانه ابطال مصوبات دولتی در برخو از ارواد عدلیه، ۱۳۹۲، پایان‌نامه برای مقظط کارشناسی ارشد رشته حقوق عمومی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی.
13- صفار، محمدجواد؛ شخصیت حقوقی، دان، تهران، ۱۳۷۳.
14- طباطبایی موظفمند می‌باشد حقوق اداری تطبیقی، سمت، چاب پنج، تهران، 1385.
15- طباطبایی موظفمند می‌باشد حقوق مخصوص مجموعه مقالات/ اهابی به دکتر حسندمامی تحت عنوان تحویل حقوق خصوصی داشته که پس از تهران، چاب، 1371.
16- ولیعصر، ابراهیم؛ سویا استفاده از وضعیت اقتصادی مسلمان حقوق اسلامی، سال 6.
شماره 21 تایبستان 1388.
17- عرفانی، محمد؛ سویا استفاده از اختیارات بایمسترجل در حقوق تجاری (1) مطالعه تطبیقی قابل دسترس در پایگاه اینترنتی:
http://www.ghavanin.ir/PaperDetail.asp?id=49
18- فنرارد، رضا؛ صلاحیت اختیاری و حاکمیت قانون، پایان نامه برای مقضی دکتری رزته حقوق عمومی دانشگاه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، 1391.
19- کاترانیان، ناصر؛ سویا استفاده از حق یا تقصیر در اجرای حق، مجله دانشگاه تهران، شماره 21 اسفند 1358.
20- کرمی جوزانی مریم؛ مفهوم صلاحیت تشخیصی و چگونگی کشتن ام از حقوق اداری، پایان نامه برای مقضی کارشناس ارشد رشته حقوق عمومی دانشگاه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی (واحد تهران مرکز)، زمستان 1390.
21- محسنی، فریبرز؛ بیشکری از فساد اداری با ناگهان برخورداری اطلاعات، دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره 61 بهار 1392.
22- محمودی، جواد؛ چگونگی کنترل صلاحیت‌های گزینشی در پرو آرای سویا دولتی، مجله تحقیقات حقوقی، دانشگاه حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره 6.
و مصوبه بهار 1390.
23- تجاری خواه، مرتضی؛ مفهوم سویا استفاده از اختیارات در نظام حقوقی کامیلا: حقوق و مصوبه، سال دوم، شماره 5، زمستان 1388.
24- تیموری، سید ابوالقاسم؛ سویا استفاده از حق در حقوق خانواده از منظر فقه امامی و حقوق ایران، دو فصلنامه قفق و حقوق خانواده (نداص صادق)، سال 12 شماره 37.
پاییز 1386.
25- هداوند، مهدی و مشهدی، علی؛ اصول حقوق اداری (در پرو آرای دیوان عدالت
34
(ب) قوانین و مقررات
37- قانون تشکیلات و آنی، دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب 1394/7/3 مجمع تشخیص مصلحت نظام.
38- قانون تعمیرات و اصلاحات امنیتی.
39- قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب 1372.
40- قانون مندی.

(چ) منابع انگلیسی
Abuse of Permissive Jurisdiction in the Case-law of England and Iran and comparison with the private law and Islamic Jurisprudence
Manouchehr Tabatabai Motameni*
Fatemeh Afshari**
Hamid Asadi***

Received:21/6/2015 Accepted:12/10/2015

Abstract:
Jurisdiction represents the powers that have been granted by law to administer to take a decision in order to protect the public interest and respect for the rights and freedoms of its citizens by evaluation, interpretation and selection. This legal institution gives wide powers to administer which require application of some principles and standards for regulating those powers. For this reason, judicial review is necessary on the basis of relevant standards. One of the issues requiring these standards is the abuse of power. It means that the public authorities possessing the legal authority use it for purposes other than those provided for by the legislator and apply irrelevant considerations or do not regard the relevant considerations. Because of this, judicial review has been provided for in the case-law of England and Iran. In private law and Islamic Jurisprudence, there is also the concept of abuse of right that seems to be related with this institution and there are some similarities and differences among them.

Key words: jurisdiction, Abuse of power, Administrative officer, judicial review.

*Professor of Law and Political Science Faculty of Tehran University.
**Ph.d student of Public Law at Allameh Tabatabai University.
mehr.solh399@yahoo.com
***M.A. in Civil Law at Imam Sadeq University.
hamidassad90@gmail.com